



## درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله اول

تاریخ: ۲۵ مهر ۸۹

موضوع جزئی: امکان وجوب فطری ابدال ثلاثه

مصادف با: ۹ ذی القعدة ۱۴۳۱

جلسه: ۱۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

باید ببینیم وجوب شرعی که ممکن نشد آیا این وجوب عقلی است یا فطری؟ چون از ابتدا گفتیم در مورد وجوب سه احتمال وجود دارد:

اول: اینکه وجوب شرعی باشد.

دوم: اینکه وجوب عقلی باشد.

سوم: اینکه وجوب فطری باشد.

معلوم شد که وجوب شرعی ممکن نیست، باید دو احتمال دیگر را بررسی کنیم. بسیاری از بزرگان معتقدند که وجوب در اینجا وجوب عقلی است؛ یعنی از نظر عقل بر ما لازم است یا مقلد باشیم یا مجتهد و یا محتاط. اما مرحوم آقای حکیم معتقدند این وجوب هم عقلی و هم فطری است.

پس به هر حال باید جداگانه خود وجوب فطری بررسی شود و اینکه معنای و ملاک وجوب فطری چیست و اینکه اساساً سخن از وجوب فطری در اینجا صحیح است یا خیر؟ و بعد از وجوب عقلی بحث شود و طبق ترتیب ما که اول از امکان وجوب شرعی سخن گفتیم حالا که احتمال دوم وجوب فطری باشد را بررسی می‌کنیم.

### احتمال دوم: وجوب فطری

مرحوم آقای حکیم معتقدند که وجوب احتیاط یا اجتهاد یا تقلید هم فطری و هم عقلی است و برای فرق بین این دو نحوه وجوب، به فرق بین ملاک بین این دو وجوب اشاره کرده‌اند.

ایشان می‌گویند ملاک وجوب فطری وجوب دفع ضرر محتمل است، همان طوری که وجوب اطاعت این چنین است. معنای این سخن این است که فطرت انسان می‌گوید اگر احتمال ضرر را در جایی دادید بر شما لازم است آن را دفع کنید، این یک حکم فطری و لزوم فطری است که در اینجا با ترک جمیع ابدال احتمال ضرر یعنی عقاب وجود دارد لذا واجب دفع است، یعنی باید این ضرر را که بیشتر مربوط به ضرر اخروی است ممکن است به نوعی طبق بعضی از تفاسیر دنیوی را هم بگیرد اما عمدتاً نظر به ضرر اخروی است چون احتمال ضرر اخروی یعنی عقاب می‌باشد واجب دفع است و دفع این ضرر و عقاب احتمالی به پیمودن یکی از این طرق ثلاثه است. این وجوب فطری که ایشان فرمودند.

ایشان در مورد وجوب عقلی می‌گویند که وجوب این ابدال ثلاثه به نحو وجوب تخییری، وجوب عقلی است به ملاک وجوب شکر منعم.

نتیجه: پس احتمالی که در اینجا وجود دارد این است که این وجوب فطری باشد و ملاک آن به نظر مرحوم حکیم وجوب دفع ضرر محتمل است و این وجوب در جایی است که به تکلیف علم اجمالی داریم یا احتمال تکلیف الزامی می‌دهیم. اما در جایی که از تکلیف غفلت داریم یا احتمال تکلیف غیر الزامی می‌دهیم یا یک تکلیف الزامی غیر منجز را احتمال می‌دهیم، دیگر احتمال ضرر و عقاب در ترک این امور ثلاثه نیست. چون دیگر احتمال ضرر داده نمی‌شود و احتمال عقاب نیست بنابراین این وجوب فقط در صورتی است که احتمال تکلیف منجز وجود دارد.<sup>۱</sup>

باید دید واقعاً دو نوع وجوب هست که یکی فطری باشد یکی عقلی؟ یا اینکه اصلاً هر دو وجوب عقلی می‌باشد منتها تارةً به ملاک وجوب شکر منعم و آخری به ملاک وجوب دفع ضرر محتمل، حکم به لزوم امور ثلاثه می‌شود. و یا اساساً یک وجوب عقلی بیشتر نیست و آن هم به یک ملاک، عمده بحث، بررسی مسئله وجوب فطری است.

### احتمالات سه گانه در مورد وجوب فطری:

در مورد این وجوب فطری چند احتمال وجود دارد:

**احتمال اول:** مراد از فطری که در کلام مرحوم آقای حکیم به عنوان وجوب فطری ابدال ثلاثه مطرح شده همان قضایای فطری است یعنی همان اصطلاحی که در منطق و فلسفه در مورد قضایای فطری را اراده شده، در آنجا قضایای فطری این گونه معنا می‌کنند: «التي قياساتها معها» قضایای فطری، قضایایی هستند که قیاس‌های آنها به همراه آنهاست. یعنی قضایایی هستند که عقل در آن حکم می‌کند به واسطه‌ای که هیچ‌گاه آن واسطه از ذهن محو نمی‌شود، یعنی این حکم عقل مبتنی بر یک استدلالی و کبرایی است که در استدلال از آن استفاده می‌شود و همیشه ذهن به آن توجه دارد. به عبارت دیگر قضایای که شاید محتاج نظر و استدلال نیستند چون قضایای فطری از بدیهیات هستند، بدیهیات منحصر در فطریات نیست اما یکی از اقسام بدیهیات قضایای فطریه است که احتیاج به استدلال ندارند پس این قدر واضح و روشن است که نیازمند به استدلال نیستند و اینکه می‌گویند «قیاساتها معها» یعنی قضیه‌ای که در آن قضیه حکم عقل مبتنی بر یک واسطه‌ای است که همیشه در ذهن حاضر است و ذهن هیچ‌گاه از این واسطه خالی نیست مثل اینکه عدد ۴ زوج است و این مستند به یک واسطه‌ای است و آن اینکه عدد ۴ منقسم به متساوین است، این در دل این استدلال وجود دارد و عقل به این واسطه حکم می‌کند و از ذهن کنار نمی‌رود. یا مثلاً وقتی می‌گوییم «العلم نور» یا «العلم کمال» اینها از قضایای فطری می‌باشد. پس یک احتمال در مورد وجوب فطری این احتمال است: قضایای فطری بر حسب اصطلاح صناعت منطق، این احتمال را به یک مناسبتی مرحوم محقق اصفهانی در ذیل کلام آخوند داده اند و رد کرده اند. در بحث از جواز تقلید مرحوم آخوند

۱. مستمسک العروة، ج ۱، ص ۶.

فرموده: جواز تقلید یک حکم فطری و بدیهی و جبلی است، محقق اصفهانی به آخوند اشکال کرده در آن بحث که ما چنین حکم فطری نداریم که به ما بگوید «یلزم علیکم التقلید» حکم به لزوم تقلید بکند، آنچه که داریم قضایای فطری است نه احکام فطری، قضایای که قیاساتها معها بعد ایشان به آخوند اشکال می‌کند، می‌گوید مسئله العلم نور یا العلم کمال یک قضیه فطری است ولی قضیه اینکه باید بوسیله علم رفع جهالت شود لزوم رفع جهالت بوسیله علم این قضیه فطری نیست، فطری معمولاً مربوط به آن اموری است که نفس یک شوقی به کمال ذات خویش یا کمال قوای خود دارد و این گونه فطری را معنا می‌کند. به هر حال این احتمال که مراد از فطری قضایای فطری باشد یک احتمالی است که اینجا در مورد کسانی که قائل به وجوب فطری ابدال ثلاثه می‌باشند وجود دارد از جمله در کلام مرحوم حکیم این احتمال هست.<sup>۲</sup>

آیا واقعاً این احتمال درست است یا نه؟ آیا وجوب اجتهاد یا تقلید یا احتیاط از این سنخ است؟ معنای آن این می‌شود: «يجب علیکم الاجتهاد أو الاحتیاط أو التقلید من قبیل قضایا الفطریة التي قیاساتها معها» آیا واقعاً از این سنخ هستند؟ به نظر ما بعید است منظور مرحوم حکیم این احتمال باشد، یعنی همان اصطلاح رایج در علم منطق باشد. و اگر این احتمال مراد باشد محل اشکال است، واقعاً وجوب فطری احتیاط یا تقلید یا اجتهاد نمی‌توان گفت از قبیل قضایای هستند که قیاساتها معها باشد. این خیلی واضح و روشن است که نمی‌تواند از این نوع قضایا باشند. این احتمال در مورد وجوب فطری می‌رود کنار و وجوب فطری به این معنا را نمی‌توانیم قائل شویم. نتیجه این است که وجوب فطری به این معنا و این احتمال باطل است.

**احتمال دوم:** این است که بگوییم منظور از وجوب فطری یعنی آن چیزی که از قبیل افعال صادر از غرائز می‌باشد یعنی افعالی که عقل دخالتی در صدور آن از انسان ندارد، یعنی یکسری کارهای را انسان به طور کلی به صورت غریزی انجام می‌دهد که صدور این کارها از انسان به نظر و استدلال عقل نیست. مانند بعضی از امیال، پس بگوییم منظور از فطری یعنی اموری که از انسان صادر می‌شود و عقل دخالتی در صدور آن ندارد. یعنی آنچه بر اساس طبیعت انسان انجام می‌شود. این احتمال اشکال دارد برای اینکه این احتمال در واقع مسئله فطری بودن را در دایره افعال قرار می‌دهد و ربطی به ادراکات نفسانی انسان ندارد، سخن ما در اینجا مربوط به ادراک است و می‌خواهیم ببینیم لزوم اجتهاد یا تقلید یا احتیاط چیزی است که طبیعت انسان به آن حکم می‌کند یعنی از قبیل افعال صادر از غرائز و طبیعت انسان است؟ این اصلاً یک ادراک است و فعل نیست که بخواهیم آن را از قبیل افعال قرار دهیم.

سخن در این است لزوم اجتهاد و تقلید و احتیاط آیا از قبیل لزوم خوردن و آشامیدن است؟ در آنجا فطرت ما این

طور نیست که به ما یک حکمی بکند و یک درکی داشته باشیم که باید بخوریم، و بعد برویم بخوریم نه فعل خوردن و آشامیدن از ما سر می‌زند و منشاء آن همان غرائز است پس احتمال دوم را گفتیم که از قبیل افعال صادره از غریزه و

۲. فرمایش محقق اصفهانی، رساله اجتهاد و تقلید، ص ۱۶.

طبیعت انسان باشد. یعنی در آنجا سخن از یک ادراک نفسانی نیست و یک فعلی است که برخاسته از غریزه و طبیعت است، یک فعلی که منشاء آن طبیعت و غریزه می باشد آیا این وجوب فطری ابدال ثلاثه از قبیل این افعال صادره از انسان است؟ قطعاً نیست، چون این احتمال دوم بحث را در دایره افعال قرار می دهد و این مختص به فعل است در حالی سخن ما در دایره ادراکات نفسانی است و نمی توان گفت که این ابدال ثلاثه از قبیل خوردن و آشامیدن و امثال افعال غریزی است. اصلاً عقل دخالت در صدور این افعال ندارد و از طبیعت انسان این افعال صادر می شود.

**اما احتمال سوم:** مراد از فطری همان معنای عرفی بدون این پیچیدگی های در بحث های علمی باشد یعنی یک امر جبلی و ارتکازی، به این معنا که مسئله پرهیز از ضرر محتمل یک امر ارتکازی است برای همه موجودات ذی الشعور اعم از حیوان و انسان که در انسان بیشتر است. این یک امر ارتکازی است که در هنگام احتمال ضرر دفع ضرر محتمل می کند، این ارتکاز است دفع ضرر محتمل بطور ارتکازی برای همه از جمله انسان منشاء لزوم فطری می شود و در ابدال ثلاثه هم به خاطر اینکه ترک آنها ممکن است موجب ضرر و عقاب اخروی باشد فطرت یعنی ارتکاز ما بر این است که باید به یکی از این راهها تن داد تا ضرر محتمل محقق نشود. پس حکم فطری به معنای اینکه یک امر ارتکازی و جبلی و در نهاد همه موجودات ذی الشعور وجود دارد. اگر این احتمال باشد این دیگر از مقوله حکم نیست یک امر ارتکازی است و نمی شود گفت حکم فطری و با ظاهر کلمات ایشان نمی سازد لذا این احتمال سوم نیز باطل است.

**نتیجه:** کلاً سه احتمال در مورد معنای وجوب فطری دادیم به نظر ما هر سه احتمال باطل است: احتمال اینکه از قبیل قضایای فطری باشد که التی قیاساتها معها این باطل است، احتمال اینکه بگوییم که عقل در صدور آن دخالت ندارد و انسان بر اساس طبیعت و غریزه انجام می دهد این احقال هم باطل است، احتمال سوم اینکه مراد از فطری یک معنای جبلی و ارتکازی و معنای عرفی فطری مراد باشد که در موجودات وجود دارد. اگر این معنا باشد نمی توان به آن گفت حکم فطری و خود این یکی از امور ارتکازی است که اطلاق حکم و وجوب و لزوم در مورد آن محل اشکال است. لذا بطور کلی این حرف آقای حکیم را که وجوب فطری باشد، قبول نداریم.

**بحث جلسه آینده:** پس وجوب شرعی که ممکن نشد، وجوب فطری هم که قابل قبول نیست می ماند وجوب عقلی، در مورد وجوب عقلی هم سه احتمال داده می شود که این سه احتمال را بررسی خواهیم کرد. والحمد رب العالمین.